

## آسیب شناسی وحدت در نظام اسلامی و راهکارهای حفظ آن از نگاه متون دینی

سید محمد رضا فقیه ایمانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۵

چکیده:

شاید در نگاه سطحی موضوع وحدت در جامعه، امری بدیهی و مسلم به چشم آید و نیل به آن نیز آسان تصور شود؛ اما هم اکنون ما در جامعه خود شاهد فقدان این موهبت الهی هستیم و آثار مخربی را که بر نظام اسلامی دارد، نظاره‌گریم. به راستی چرا با وجود این همه تأکید از سوی ولی فقیه مبنی بر حفظ وحدت میان مسئولان و آحاد جامعه، ما شاهد اصلاح این روند مخرب و تأثیرگذار بر اقتدار نظام اسلامی نیستیم. در این مقاله ما در ابتدا به تبیین معرفت شناختی کثرت‌گرایی که در مقابل وحدت قرار دارد و توسط برخی روشنفکر نماها به جامعه تزریق می‌شود، می‌پردازیم، پس از آن به محضر قرآن و عترت می‌رسیم و جایگاه وحدت در نظام اسلامی را از این منظر بررسی می‌کنیم و در ادامه سعی خواهیم کرد که نشان دهیم محوری‌ترین عنصر برای حفظ وحدت در یک نظام اسلامی، مقام فقاهت و عدالت یعنی ولی فقیه است که ائمت‌ واحده حول این محور به سعادت دنیا و آخرت نائل می‌گردد و در مقابل، آن چیزی که بیش از همه وحدت و تمامیت نظام اسلامی را تهدید می‌کند، شیوع پدیده نفاق در جامعه است.

کلمات کلیدی: وحدت سیاسی، پلورالیسم سیاسی، نفاق، ولایت الهی، ائمت‌ واحده

## طرح مسأله

یکی از مسائل مورد توجه در حوزه مطالعات قرآنی و به تبع آن مطالعات حدیثی، جایگاه وحدت در نظام اسلامی، آسیب شناسی و بررسی عوامل مؤثر برای تثبیت وحدت میان توده‌های مردم در جامعه است. همواره این سؤال مطرح بوده که روابط میان مسلمانان و دیگر ادیان چگونه باید باشد؟ آیا چون بین مسلمانان و اهل کتاب از نظر دینی اختلاف است؛ همواره باید با هم در حالت جنگ و نزاع باشند. در مرتبه بعدی این سؤال مطرح است که وحدت میان مسلمانان تا چه اندازه مهم است و تا کجا باید بر دیگر مصالح جامعه ترجیح داده شود. در این میان، عده‌ای به اصطلاح روشنفکر، بر طبل پلورالیزم کوبیده و به زعم خود می‌خواهند این را اثبات نمایند که اساسا اختلاف میان انسان‌ها امری ضروری و جزء لاینفک جامعه انسانی است. حال این اختلاف چه درباره دین باشد و چه درباره مسائل اجتماعی. در این راستا شایسته است در ابتدا، تعریفی دقیق از مفهوم پلورالیزم ارائه گردد و مورد راستی آزمایی و اعتبار سنجی قرار گیرد.

### ۱. کثرت‌گرایی (پلورالیزم)

طرفداران این مکتب قائل به نوعی اباحی‌گری هستند و معتقدند هرکس با هر دیدگاه و سلیقه‌ای که دارد بر حق است و می‌تواند طبق همان دیدگاه خود عمل کند و کسی حق اعتراض به او را ندارد. ما در این بحث کثرت-گرایی را در دو شاخه عمده و اصلی بررسی می‌کنیم و آن را در بوته درستی‌آزمایی قرار می‌دهیم.

### ۱-۱. کثرت‌گرایی دینی

قرآن کریم در آیات متعددی به این نکته اشاره می‌کند که مردم در ابتدا امت واحده بودند و به جز اختلافات موردی و جزئی، با هم مشکلی نداشتند. (نک: البقره: ۲۱۳) خدای متعال رسولان خود را مجهز به کتاب و میزان، به سوی مردم فرستاد تا در میان آن‌ها قسط و عدل را برقرار کنند. (الحدید: ۲۵) اما قرآن کریم از شکل‌گیری اختلافی جدید در میان مردم پس از ارسال رسولان که در مواقعی بسیار جدی می‌شده پرده بر می‌دارد و آن را به شدت مورد ملامت قرار می‌دهد؛ از جمله می‌فرماید: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنَ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»؛ و مردم جز یک امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند. و اگر عده‌ای از

## شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

جنب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌شد. (یونس: ۱۹) علامه طباطبایی معتقدند که دو نوع اختلاف وجود دارد؛ اختلاف طبیعی و اختلاف مذموم. انسان‌ها در ابتدا یک امت واحد بودند، لکن به اقتضای زندگی اجتماعی اختلافاتی در زندگی آن‌ها پدید آمد. خدای متعال برای برطرف نمودن این اختلافات برنامه‌ای را توسط پیامبران فرستاد. اما مردم پس از تبیین راه حل برون‌رفت از اختلافات توسط انبیاء، باز هم راه ضلالت را پیموندند که این همان اختلاف مذموم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۱)

این آیه و آیات مشابه، بهترین دلیل بر این مطلب است که از نظر قرآن کریم، اختلاف در دین و تدین به ادیان مختلف در یک عصر - پلورالیزم دینی - مردود است؛ زیرا «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است. (آل عمران: ۱۹) و همه انبیاء الهی برای تبیین یک حقیقت واحد مأمور شدند؛ البته این تبیین در سطوح مختلف برای انسان‌های مختلف ارائه شده است و تبیین رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) از این حقیقت، در کمال خود قرار دارد. لذا انسان‌هایی که در عصر حضرتش قرار داشته و تا روز قیامت بر روی این کره خاکی خواهند زیست، مکلفند که ملبَس به لباس فاخر اسلام شوند.

## ۱-۲. کثرت‌گرایی سیاسی

منظور از کثرت‌گرایی سیاسی، همان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان مختلف در کنار هم است. بر خلاف ممنوعیت پلورالیزم دینی، اسلام هرگز مخالف این امر نیست؛ اما به این شرط که این اقلیت‌های مذهبی برای براندازی نظام اسلامی دسیسه چینی نکنند. (برگرفته از فایل صوتی حضرت آیت الله جوادی آملی تفسیر سوره یونس آیه ۱۹)، قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ تَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ [اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد

که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر همیشگی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند. (الممتحنه: ۸ و ۹)

## ۲. وحدت سیاسی - اجتماعی از منظر آیات و روایات

همان‌طور که گفته شد ظهور اسلام در شبه جزیره عرب موجب گردید تا عداوت مردم تبدیل به برادری گردد. قرآن کریم از یک دشمن خبر می‌دهد که سعی دارد این نعمت الهی را خنثی کند؛ این دشمن، کسی نیست جز شیطان: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ»؛ همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی‌دارید؟ (المائد: ۹۱)

در مقابل، قرآن مردم را تحریض می‌کند تا همگی به جبل الله چنگ زنند و از این دشمن قسم خورده به ذات مقدس ربوبیش پناه برند: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید. (آل عمران: ۱۰۳)

علامه طباطبایی (ره) درباره مراد از جبل الله می‌نویسند: خدای تعالی در آیات قبل، یعنی آیه: «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ...» فرموده بود که تمسک به آیات خدا و رسول او، تمسک به خدا است و شخص متمسک و معتصم در امان است، و هدایتش ضمانت شده است. کسی که دست به دامن رسول شود، دست به دامن کتاب شده است، چون همین کتاب است که در آن آمده: «وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» اینک در این آیه، اعتصام سفارش شده در آن آیه را، به اعتصام به «جبل الله» مبدل کرد؛ در نتیجه فهماند که اعتصام به خدا و رسولی که قبلاً گفتیم، اعتصام به «جبل الله» است. یعنی آن رابط و واسطه‌ای که عبد و رب را به هم وصل می‌کند، و آسمان را به زمین مرتبط می‌سازد. و اگر خواستی، می‌توانی این‌طور بگویی که جبل الله همان قرآن و رسول خدا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳،

## شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

بنابراین قرآن کریم مانند یک طبیب حاذق برای بیمار خود - یعنی جامعه اسلامی - که به بیماری تفرقه و نزاع مبتلا شده است، چنین تجویز می‌کند که باید همگی پشت سر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و گوش به فرمان او باشند، چرا که فرمان او فرمان خداست و در این صورت به مقابله با «عدو مبین» خود خواهند رفت. قرآن کریم این مطلب را به نحوی صریح‌تر در سوره مبارکه انفال بیان می‌کند: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (الانفال: ۴۶) مفهوم آیه این است که اگر جامعه اسلامی از دستورهای رسول خدا اطاعت نکند؛ دچار شکستگی می‌شود و حالت لجام گسیختگی پیدا می‌کند. آن وقت است که اَبْهت و جایگاه خود را در میان رقبا و دشمنان از دست می‌دهد و به تعبیر قرآن، آبرویش خدشه دار می‌شود: «و تذهب ریحکم» و دشمنان جرأت دست اندازی به حریم حکومت اسلامی را پیدا می‌کنند.

همچنین قرآن از اهل بیت (علیهم السلام) با عنوان «اولی الامر» یاد کرده و اطاعت آنان را در جهت اطاعت خدا و رسول و سخن آنان را حجت دانسته است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. (النساء: ۵۹) بدین سبب از مسلمانان خواسته است تا در موارد اختلاف میان خود یا در فهم دین، به آنان مراجعه کنند: «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند. (النساء: ۸۳) و یکی از دلایل معرفی اهل بیت در جایگاه «ثقل اصغر» در روایت ثقلین از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقش مؤثر آنان در ایجاد و حفظ یگانگی بوده است؛ چنانکه هشام بن حکم در حضور امام صادق (علیه السلام) در جلسه مناظره با یک مرد شامی، ضرورت وجود امام را بر- اساس ناکافی بودن قرآن و سنت در رفع اختلافات ثابت کرد. (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۱۷۳) با این توضیحات عمق کلام امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) برای ما روشن تر می‌گردد که فرمود: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد.

شاید امروز برای ما که دوران فتنه را پشت سر گذاشته‌ایم این آیه مبارکه قرآنی بسیار ملموس‌تر از قبل باشد، علاوه بر این که در دوره‌ای هستیم که جوامع اسلامی پس از یک دوره طولانی که در رخوت به سر می‌بردند اکنون به خود آمده و تصمیم گرفته‌اند تا به «حبل الله المتین» متمسک شوند. این مطلب را بنیان‌گذار

جمهوری اسلامی سال‌ها پیش فرموده بود و به کشورهای اسلامی هشدار داده بود که: «قرآن کریم اخطار کرده است که اگر تنازع کردید فشل می‌شوید. شما آثار فشل را در مسلمین و کشورهای عربی مشاهده می‌کنید. فشل شدن از این بدتر؟! که کشورهای اسلامی با این گستردگی و قدرت و منابع انسانی و مالی، در مقابل اسرائیل، همگی فشل هستند. شما فشل را چه می‌دانید؟ جز این است که یک دولت و ملت نتواند کاری را که باید برای حفظ نظام خودش انجام دهد، انجام دهد؟! دشمنی که حمله به بلاد مسلمین کرده و هر روز توسعه را زیاد می‌کند و قانع برای یک کشور هم برای خودش نیست، مسلمین در مقابل او فشل هستند.»<sup>۱</sup>

### ۳. وحدت، موهبتی الهی

ممکن است در ابتدای امر دست یابی به وحدت، امری سهل الوصول تصور شود به این معنا که فقط کافی است رهبر جامعه مردم را به وحدت دعوت کند و مردم هم لیبیک گویند، اما قرآن کریم توجه ما را به امری مهم جلب می‌کند و آن این است که دل‌های مردم در دست خداست و اوست که باید بر دل‌ها تصرف نموده و آن‌ها را به هم نزدیک نماید و این امر زمانی محقق می‌شود که مردم نیز به سوی آن ذات مقدس اقبال نشان دهند: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و میان دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است. (الانفال: ۶۳) همچنین در جای دیگری خدای متعال به نحو امتنان، دوران سیاه جاهلیت را به یاد مردم می‌آورد که جنگ و خون‌ریزی در میان آن‌ها به یک روال طبیعی تبدیل شده بود، اما با آمدن اسلام ورق برگشت و عداوت به برادری مبدل شد: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا»؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. (آل عمران: ۱۰۳)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «والزموا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ. وَإِيَّاكُمْ وَالْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵،

## شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

خطبه ۱۲۷) آیت الله جوادی آملی در شرح این جمله گران بار می‌فرماید: منظور از سواد اعظم، شهرهای بزرگ نیست، آن‌گونه که برخی گفته‌اند؛ بلکه منظور حضرت از سواد اعظم، توده‌های مردم است. مثل تظاهرات ۲۲ بهمن، انتخابات و... فرمود: خودتان را از این‌ها کنار نکشید «فإن ید الله مع الجماعة» بعد فرمود: «وایاکم و الفرقه» از تفرقه بپرهیزید؛ چرا؟ چرا که انسانی که خودش را از جامعه جدا می‌شود مانند گوسفندی است که برای رسیدن به دسته‌ای علف، از گله خود جدا شده و به دام گرگ می‌افتد. انسان نیز با جدا شدن از جامعه و تک‌روی کردن، گرفتار شیطان می‌شود.<sup>۲</sup>

## ۴. وحدت، استراتژی نظام اسلامی

اسلام به وحدت به عنوان یک استراتژی نگاه می‌کند و نه یک تاکتیک؛ تفاوت این دو رویکرد در این است که استراتژی در مورد اهداف بلند مدت و اساسی مطرح می‌شود، اما تاکتیک برای برون‌رفت از مشکلات مقطعی. این رویکرد در موضع‌گیری‌های بزرگان دینی ما کاملاً مشهود است. امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) که بنیان‌گذار بنای مرصوص جمهوری اسلامی است، همواره بر حفظ وحدت میان قشرهای مختلف مردم تأکید می‌فرمودند. یکی از کلیدی‌ترین کلمات آن فرزانه این عبارت مشهور است: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد.»<sup>۳</sup> در ادامه این مقاله بیان خواهد شد که چگونه این کلام با وحدت کلمه، مربوط است.

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نیز در مقاطع مختلف و به طور مکرر و تا حدودی غیر معمول بر وحدت میان آحاد جامعه و به خصوص میان مسئولان که الگوی مردم هستند تأکید نموده و آن را تنها راه مقابله با تهدیدهای سنگین دشمنان معرفی نموده‌اند. به عنوان نمونه، ایشان در یکی از دیدارهای خود با مردم فرمودند: «اگر بخواهیم این مسئولیت در کشور جواب دهد، و مسئولان کشور به کمک مردم بتوانند ایران آینده را آن‌چنانی که لایق ایرانی و لایق نام مقدس اسلام است بسازند، راهش این است که ارتباط میان مردم، ارتباط میان ملت و مسئولان کشور - هم‌چنانی که امروز هست - یک ارتباط مستحکم و صمیمانه باقی بماند. هرکس ملت را به تفرقه دعوت کند، هرکس سعی کند میان ملت و مسئولان کشور فاصله بیندازد، هرکس بر طبل

اختلافات بکوبد، کاری بر خلاف مصلحت این کشور و این ملت انجام داده است؛ هرکی می‌خواهد باشد. اتحاد را، اتفاق را، وحدت کلمه را، حسن‌ظنّ به یکدیگر را باید حفظ کرد. قرآن می‌گوید: «لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیرا»؛ چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند. (النور: ۱۲) دل‌هاتان را با هم صاف کنید، دست در دست هم پیش بروید؛ شک نداشته باشید که خدای متعال این چنین ملتی را، این چنین دل‌های صادقی را، این چنین گام‌های استواری را کمک و حمایت خواهد کرد.» (دیدار مقام معظم رهبری با مردم کازرون ۸۷/۲/۱۶)

### ۵. عناصر مهم برای ایجاد و حفظ وحدت اجتماعی

در این قسمت به چند فاکتور اساسی که در حفظ وحدت دینی و سیاسی جامعه بسیار تأثیرگذار است، اشاره می‌گردد.

#### ۵-۱. حفظ جایگاه رهبری به عنوان فصل الخطاب

رهبر یک جامعه، خواه عادل باشد و خواه ظالم، نقشی محوری در انسجام جامعه و برقراری نظم می‌تواند داشته باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وإنه لا بد للناس من أمير برّ أو فاجر يعمل في إمرته المؤمن ويستمتع فيها الكافر»<sup>۴</sup> (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۴۰) حال اگر در جامعه، نظام اسلامی مستقر گردد و مجتهدی جامع شرایط زمام جامعه را در دست بگیرد، به طریق اولی بر مردم آن جامعه فرض است که دستورات وی را اطاعت کرده و در منازعات خود فصل الخطاب قرار دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند. (النساء: ۶۵) به یقین می‌توان گفت آنچه تاکنون انقلاب اسلامی ما را در برابر هجمه‌های کمر شکن دشمن بیمه کرده، پشتیبانی قاطع و بی‌نظیر مردم از ولایت فقیه بوده است.

#### ۵-۲. امر به معروف و نهی از منکر

## شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

قرآن، پس از دعوت مسلمانان به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند. (آل عمران: ۱۰۴) و به آنان هشدار می‌دهد که قدم در مسیری که پیروان ادیان پیشین رفتند و در دینشان دچار تفرقه شده اند، نگذارند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»؛ و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند. (آل عمران: ۱۰۵) این امر نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه‌ای در برقراری وحدت و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. چنین نقش مؤثری برای این دو فریضه الهی، بدان سبب است که پراکندگی و متفرق شدن، یا از بد فهمی متون دینی ناشی می‌شود و یا از هواپرستی افراد و گروه‌ها سرچشمه می‌گیرد و امر به معروف و نهی از منکر به صورت نظارت اجتماعی می‌تواند مانع رواج چنین انحرافات در جامعه باشد.

## ۳-۵. جاری کردن اصل برائت در حق برادران ایمانی

قرآن، مؤمنان را برادر ایمانی یکدیگر دانسته، از آنان می‌خواهد که از عیب‌جویی در حق یکدیگر پرهیزند و بر حرمت سوءظن، تجسس، و تهمت‌های ناروا، پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است،<sup>۵</sup> (الحجرات: ۱۲ و النور: ۲۳) قرآن از مؤمنان خواسته است کینه‌ها را از دل هایشان بزایند و در این راه از خداوند مدد گیرند و بخشیدن برادران دینی و نیز زدودن کینه درباره آنان را از او مسألت کنند.<sup>۶</sup> (الحشر: ۱۰)

## ۴-۵. اصلاح ذات البین

اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدی طبیعی و جزء ملازمات زندگی اجتماعی است، اما باید به سرعت برطرف گردد و منشأ کدورت‌ها و کینه‌ها نگردد. در این زمینه قرآن کریم به دیگر مؤمنان توصیه می‌کند که بی-تفاوت نباشند و برای حل و فصل این منازعات پا در میانی کنند. مثلاً در رابطه با شقاقی که ممکن است بین مرد و همسرش به وجود آید، توصیه می‌کند که از هر دو طرف فردی معتمد انتخاب گردد و میان آن دو مصالحه

شود<sup>۷</sup> (النساء: ۳۵) و یا در مورد دو گروه از مؤمنان که با هم نزاع پیدا کرده‌اند، به همه مؤمنان فرمان می‌دهد که میان آن‌ها صلح و آشتی برقرار کنند.<sup>۸</sup> (الحجرات: ۹)

#### ۵-۵. توجه به نقاط مشترک

توجه دادن به اینکه انسان‌ها همه از خاک آفریده شده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ»؛ ای مردم، اگر در باره برانگیخته شدن در شکید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم. (الحج: ۵) یا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. (الحجرات: ۱۳) توجه دادن به این نقاط مشترک در ایجاد وحدت جهانی مؤثر است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترک عقیدتی نیز بدین سبب انجام گرفته است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ»؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم. (آل عمران: ۶۴)

#### ۵-۶. برنامه‌های عبادی

دین مبین اسلام در کنار تشریح عبادات شخصی، عبادات فراوانی را به گونه‌ای طراحی و برنامه ریزی کرده تا افراد یک جامعه، خواسته یا ناخواسته به هم‌گرایی و یگانگی عملی سو داده می‌شوند. نمونه‌هایی از این رویکرد اسلام را در اعمال عبادی می‌بینیم:

الف) دعا: اسلام، افزون بر دعوت از مؤمنان به تضرع و مناجات با خداوند به صورت مخفیانه، (الاعراف: ۵۵ و ۲۰۵) مسلمانان را تشویق می‌کند تا در جمع حضور یابند و دسته جمعی به درگاه الهی تضرع کنند و حوائج خود را از او مسألت نمایند. حضور مردم در مراسم اعتکاف، دعای کمیل، دعای ندبه و... از جمله این موارد است. علاوه بر این ما در روایات و سیره اهل بیت (علیهم السلام) می‌بینیم که تأکید خاصی بر دعا کردن برای دیگران شده است؛ که این خود به نوعی در تقویت روحیه جمع‌گرایی مؤثر است.

## شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

ب) نمازهای یومیه: نماز، نماد عبادت در اسلام و عمود خیمه دین است (صدوق، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۲۱۱) و هر مسلمان وظیفه دارد در شبانه روز، خود را در این چشمه زلال شست و شو دهد. (صدوق، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۲۱۰) اگرچه می‌توان این فریضه را به صورت فردی نیز انجام داد، اما شریعت اسلام تأکید فوق العاده‌ای بر اقامه نماز به صورت جماعت دارد و به خاطر همین، ثواب غیر قابل تصویری را برای آن قرار داده است. شایان ذکر است که انجام این فریضه به سمت قبله مشترک، روحیه جمع‌گرایی را در ما بیشتر تقویت می‌کند.

ج) نماز جمعه: قرآن کریم با تأکیدهای متعدد، فضیلت برپایی نماز جمعه را بیان می‌دارد آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. (الجمعه: ۹) و همه را به حضوری پر شور در این عبادت سیاسی اجتماعی فرا می‌خواند. خطیب نیز وظیفه دارد تا از مسائل روز و مشکلات جامعه سخن بگوید و آن‌ها را به نحوی صحیح تشریح نماید.

## ۶. آسیب شناسی وحدت در نظام اسلامی

پس از این‌که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین سفر حج خود، تمام مردم را در کنار غدیر خم جمع کرد و بنا به امر الهی، امیر المؤمنین (علیه السلام) را به مقام ولایت الهی منصوب نمود، جبرئیل امین این آیه را بر حضرت نازل نمود: «الْيَوْمَ يَتَسَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنَ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا»؛ امروز کسانی که کافر شده‌اند، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند. پس، از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم. (المائدة: ۳) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نگارند: این آیه اعلام می‌دارد که بعد از این از جانب کفار هیچ خطری دین اسلام را تهدید نمی‌کند، و اگر فساد و تباهی بر دین عارض شود از جانب خود مسلمانان خواهد بود و آن زمانی است که به این نعمت تامه الهی کفر ورزند

و این دین مورد رضایت پروردگار را رد کنند. اگر مسلمانان چنین کنند، آنگاه خداوند این نعمت را از آنها می-گیرد و آن را به نعمت تبدیل می‌کند و مسلمانان به همین مسیر رفتند و خداوند نیز آنها را مجازات کرد. آیات ولایت، ارتباط وثیقی با انذار و تحذیر مفهوم از این آیه دارد و خداوند در هیچ بابی جز ولایت این‌گونه بندگان را از خود بر حذر نداشته است؛ و بارها فرموده: «وَايَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ».(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۹)

از کلام علامه این نکته استفاده می‌شود که آیه در صدد بیان این مطلب است که آنچه شما باید از این به بعد برای دینتان از آن خوف داشته باشید، وجود پدیده‌ای بسیار مهلک در میان خودتان به نام نفاق است. جریان نفاق که به نظر علامه طباطبایی از همان مکه شکل گرفته بود(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۸۹)، همواره در جامعه به تزریق القائات مسموم و شایعات می پرداخت و سعی می‌کرد که هر مشکل کوچک اجتماعی را به یک بحران برای حکومت اسلامی تبدیل کند. در این مورد شواهد قرآنی فراوانی وجود دارد؛ اما به عنوان نمونه به قضیه‌ای اشاره می‌کنیم تا عمق فساد و خطر این گروه روشن گردد. خدای متعال در سوره نور پس از این‌که بیان می‌کند که منافقین چگونه فضای اخلاقی جامعه را آلوده می‌کنند این‌گونه به آنها هشدار می‌دهد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْمًا تُقْفُوا أَخَذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا»؛ اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد.(الاحزاب: ۶۰ و ۶۱) یکی از حربه‌های منافقان برای فشل کردن جامعه اسلامی شایعه افکنی بود که قرآن از آنها به «المرجفون» تعبیر می‌کند.

خدای متعال در مورد خطر اهل کتاب برای مسلمانان فرمود: «لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلَوْكُمْ الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ»؛ جز آزاری [اندک] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند.(آل عمران: ۱۱۱) آنها جز آزار و اذیتی اندک، نمی‌توانند آسیب دیگری به شما برسانند؛ اما در مورد منافقان تمام قد وارد صحنه شده و به مسمانان هشدار می‌دهد که از خشم من بترسید؛ مبادا در میان شما عده باشند که با دست خود مقدمات نابودی این دین کامل را فراهم آورند. نمونه‌ای دیگر از اقدامات ضد

## شماره ۳۲ و ۳۳ پاییز و زمستان ۹۱

امنیتی و تفرقه‌افکنانه منافقان، ساختن مسجد ضرار است که در بخش بعدی راجع به این اقدام منافقان و موضع‌گیری قاطع قرآن بیشتر خواهیم پرداخت.

## ۷. شواهدی قرآنی - تاریخی مبنی بر تقدم حفظ وحدت

## ۷-۱. تخریب مسجد

پس از این‌که منافقان مسجدی را بنا کردند تا در پوشش یک مکان عبادی، مرکزی را برای تقویت نیروهای محارب با خدا و رسول و برای تفرقه اندازی میان مسلمین تأسیس کرده باشند؛ از رسول خدا برای افتتاح آن دعوت کردند. جبرئیل امین از سوی خدای متعال نازل شد و حضرت را از حقیقت امر مطلع ساخت و به ایشان دستور داد تا این مسجد را سوزانده و تخریب کنند. قرآن کریم به این اقدام منافقان در سوره توبه اشاره نموده است. (التوبه: ۱۰۷ - ۱۱۰)

## ۷-۲. تخصیص قسمتی از زکات

قرآن کریم یکی از سهام زکات را برای تألیف قلوب قرار داده است؛ (التوبه: ۶۰) تألیف قلوب کسانی که ایمان حقیقی نیاورده‌اند و ممکن است که در جامعه ایجاد ناامنی کنند. لذا به عنوان یک عامل باز دارنده قسمتی از زکات به آن‌ها داده می‌شود.

۷-۳. خدای متعال وقتی بر قوم یهود و نصارا به سبب خطاهای مکررشان خشم گرفت و اراده فرمود تا آن‌ها را مجازات نماید، آن‌ها را به دشمنی و تفرقه مبتلا فرمود و آن را تا قیامت استمرار بخشیده است. (المائده: ۱۴ و ۶۴)

## ۷-۴. سکوت امیر المؤمنین (علیه السلام) پس از غصب خلافت

بعد از حوادثی که به دنبال رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رخ داد، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) طبق وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و برای حفظ وحدت و مصالح جامعه اسلامی از حق مسلم خود گذشت و سکوت اختیار کرد. ایشان سکوت خود را این‌گونه توصیف می‌نماید: « پس من ردای خلافت رها

کرده و دامن جمع نموده از آن کناره گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پاخیزم؟ یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه سازم که پیران را فرسوده، جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می‌دارد! پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود. و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند.» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵ش، خطبه ۳)

۷-۵. نمونه مشابه در قرآن کریم ماجرای سامری در قوم موسی (علیه السلام) است؛ آن‌گاه که ایشان برای ملاقات پروردگار به میقات رفت و چون مدت حضور او در کوه طور به طول انجامید، سامری به میان قوم آمد و گفت که موسی شما را فراموش کرده است و آن‌ها را به گوساله پرستی دعوت نمود. پس از آن که موسی به سوی قوم خود بازگشت و وضعیت را مشاهده نمود الواحی را که از جانب خدای متعال دریافت نموده بود به زمین انداخت و به سوی برادرش هارون رفت و در حالی که سر و محاسن او را گرفته بود به او گفت: (يَاهَاؤُنُّ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي) [موسی] گفت: «ای هارون، وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد، که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟» (طه: ۹۲ و ۹۳) هارون در پاسخ موسی گفت: (يَبْنَؤُمْ لَّا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَ لَّا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي)؛ گفت: «ای پسر مادرم، نه ریش مرا بگیر و نه [موسی] سرم را، من ترسیدم بگوئی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی.» (طه: ۹۴)

### نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین ارکان ایجاد وحدت و تثبیت آن در جامعه اسلامی، وجود ولی فقیه به عنوان نایب امام زمان (عج) می‌باشد، که مردم از وی اطاعتی آمیخته با اعتقاد دارند. وی نقشه راه را می‌شناسد، و خطراتی را که از جانب دشمنان خارجی و داخلی متوجه نظام اسلامی می‌گردد رصد نموده و به مردم اطلاع می‌دهد. از طرف دیگر مهمترین آسیبی که وحدت یک امت را تهدید می‌کند، پیدایش پدیده شومی به نام نفاق در میان اقشار مختلف جامعه است، که هم‌چون خوره‌ای به جان پیکره نظام اسلامی افتاده، و فرصت‌های طلایی جامعه را به خاکستر می‌نشاند و اقتدار و ابهت نظام را خدشه دار می‌کند و آن را از درون متلاشی می‌سازد.

## پی‌نوشت

۱. جملات با اندکی تصرف نقل شده است.
۲. بر گرفته از فایل صوتی تفسیر سوره یونس آیه ۱۹
۳. این عبارت در صحیفه امام جلد ۱۰ صفحه ۵۸ اینگونه آمده است: من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد.
۴. همانا مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول، و کافران هم بهره مند شوند.
۵. بی‌گمان، کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند، و برای آن‌ها عذابی سخت خواهد بود.
۶. پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار.
۷. و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳ق.
۲. جوادی آملی، عبد الله، مفاتیح الحیات، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱ش.
۳. رضی، سید محمد، نهج البلاغه، قم، نور مطاف، ۱۳۸۵ش.
۴. سایت مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی).
۵. صحیفه امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه).

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۷. فایل های صوتی تفسیر آیت الله جوادی آملی، سوره یونس.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اصول)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م.

